

متن سخنرانی نوروز علی ثابتی، در محفل گرامی داشت از فراغت محصلین
دانشگاه بدخشان.

قصر کوکچه، شهر فیض آباد، بدخشان

19 دسمبر 2017



خود را به امید او، رها باید کرد
آغاز سخن تو را صدا باید کرد

آغاز سخن یاد خدا باید کرد
ای با تو شروع کارها زیبا تر

بسم الله الرحمن الرحيم

حُضْرَ نَهائیت گران ارج،

جنابِ محترم، پوهنمل دکتور خسرو نظری، رئیس دانشگاه بدخشان،

هیئت علمی دانشگاه بدخشان،

استادان و دانش آموختگان فرهیخته،

دانشجویان،

مهمانانِ گرامی،

خانم ها و آقایان،

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

در قدم نخست حضور با مهر شما عزیزان را در این همایش میمون که به مناسبت گرامیداشت از فراغت دانش آموختگان و لسوالی شغنان از دانشگاه بدخشان برگزار گردیده است، خیر مقدم و خوش آمدید میگویم.

ثانیاً، این روز الهام آفرین را برای دانش آموختگانی که بی صبرانه برای چنین روزی لحظه شماری میکردند، از خلوص نیت برای آنها و به خانواده های شریف شان و برای مردم نجیب بدخشان، و کافه ملت افغانستان، تبریک و تهنیت عرض می نمایم.

من این همایش خُجسته را بفال نیک گرفته، و با اغتنام این فرصت، دانشجویان و دانش آموختگان عزیز را با چند سخن موجز و ناب، مورد خطاب قرار میدهم.

سخنرانی ام شامل سه بخش میگردد: اهمیت تعلیم و تربیه، داشتن پشت کار، و معرفی سه شخص بسیار مؤثر و موفق جهان معاصر ما، و شریک ساختن راز و کلید موفقیت آنها برای دانش آموختگان عزیز، می باشد.

میگویند:

عمر شما از زمانی شروع می شود که اختیار سرنوشت خویش را در دست میگیرید.

و برای شما، دانشگاه بدخشان این امکان را فراهم ساخته، تا سرنوشت آینده تانرا در دستان خود تان گیرید.

میگویند:

آفتاب به گیاهی حرارت می دهد که سر از خاک بیرون آورده باشد.

و شما، به گیاهی می مانید که از نخلستان آرزوی دانشگاه بدخشان، سر بر آورده اید.

میگویند:

تنهاراهی که به شکست می انجامد، تلاش نکردن است.
دشوارترین قدم، همان قدم اول است.

من طریق سعی می آرم بجا لیسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى¹

میگویند:

بجای آنکه، به تاریکی لعنت فرستید، یک شمع روشن کنید.

و شما، ای استادان دانشگاه بدخشان! چندین چهل چراغ را روشن نموده اید که فضای علمی ی بدخشان را، بیش از پیش فروزانتر خواهند ساخت.

می خواهم سخنم را بر یک پرسش بنیادین متمرکز سازم و آن اینکه: دانش مقدم است و یا ثروت (دارایی)؟ در این خصوص، میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد، بعضی ها میگویند که دانش، بخودی ی خود، دارایی است، و برخی ها میگویند، که: دانش را اهل خرد عزیز میدارند، و دارایی و پول را مادی پرستان. قطعه شعری را برای شما از ابو الحسن شهید بلخی می خوانم، که در این باره سروده است:

دانش و خواسته است، نرگس و گل که به یک جای، نشکفند به هم
هر که را دانش است، خواسته نیست و آن که را خواسته ست، دانش کم

ما باید یک متن (text) را مطابق به زمینه (context) آن بررسی و تحلیل کنیم. این هر دو تأثیر متقابل بر یکدیگر میگذارند. در یک سروده دیگر، شهید بلخی اندیشه اش را در مورد دانش اندوزی چنین بیان نموده، و گفته قبلی اش را جبران کرده است.

¹ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (اشاره است به آیه 39، سوره 53 (سوره النجم). ترجمه: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

دانشا! چون دریغم آیی از آنک بی بهایی و لیک از تو بهاست
با ادب را ادب، سپاه بس است بی ادب با هزار کس، تنهاست
فردوسی بزرگ، آنرا در یک شاه بیت مشهورش، چنین بیان نموده است:
توانا بود، هر که دانا بود ز دانش، دل پیر بُرنا بود

و این سخن فردوسی، اشاره است به آیه 269 سوره بقره، که آنجا خداوند (ج) فرموده است:

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا.

خدا دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) میدهد؛ و به هر کس که دانش داده شود، خیر فراوانی برایش داده شده است. و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند) و متذکر نمی‌گردند.

حضرت محمد (ص) یگانه معلم صادق و قُدوه ی عالم و آدم در حدیثی در مورد فضیلت آموختن دانش فرموده است: **«مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَلْيَتَّجِرْ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَتَزَهَّدْ وَ أَرَادَهُمَا فَلْيَتَعَلَّمْ»** یعنی شخصی که اراده دنیا کند باید که تجارت کند، و شخصی که اراده آخرت کند زهد و تقوا پیشه کند، اما شخصی که اراده هر دو را (یعنی دنیا و آخرت را) کند، پس باید دانش بیاموزد.

در اینجا، من برای شما قصه موفقیت سه شخص را بیان می‌کنم که هر سه در مقطعی از تحصیل شان، محصل در دانشگاه هاروارد، در ایالات متحده بوده اند. دو نفر از اینها، ترک تحصیل نموده اند، و یکی موفقانه تحصیل اش را به پایه اکمال رسانیده است؛ ولی هر سه آنها تأثیر بس شگرف و سترگی را بر انسان های عصر خویش بجای مانده اند.

این سه نفر از سه دین ابراهیمی نمایندگی میکنند:

اول: بیل گیتس، هیئت مدیره شرکت مایکروسافت، او مسیحی است، اولین سرمایه دار سال 2017، و سرمایه اش، (به گزارش Forbes)، 86 میلیارد دلار است. وی هم‌رای خانمش ملیندا، تصمیم گرفته است که بعد از آنها میراثی به فرزندان آنها نماند و تمام دارایی شان را برای از بین بردن پولیو، ملاریا، و تولید واکسین برای کودکان و دیگر کارهای خیریه در جهان به مصرف برسانند.

دوم: مارک زاکربِrg، رئیس عامل شبکه اجتماعی فیس بوک، یهودی است، پنجمین سرمایه دار سال 2017، و سرمایه اش 56 میلیارد دلار است. او تصمیم گرفته است که 99 درصد ثروتش را در زندگی اش، وقف رفاء جامعه بشری نماید.

و سوم: شهزاده کریم آقا خان، رئیس شبکه انکشافی آقا خان، مسلمان است، و پیشوای مسلمانان شیعی اسماعیلی است.

شاید صد ها بلکه هزار ها شخص وجود داشته باشند، که در آمد و سرمایه ی خیلی زیاد داشته باشند، پس چرا آنها در محراق توجه من نیستند و فقط این سه شخص را مثال آورده ام؟ پاسخ اینست که، این سه نفر از جهات بشر دوستی، خدمات به جهان بشریت، و مسئولیت داشتن برای بلند بردن کیفیت زندگی نوع بشر، با هم مشابهت هایی دارند و بدون تبعیض در سیاره ی ما، سخت تلاش می کنند.

بیل گیتس رئیس عامل مایکروسافت، در دانشگاه هاروارد دست از تحصیل کشید، ولی وی فعلاً یکی از سرشناس ترین افراد در جهان است. او تجربه و خاطره خود را چنین بیان نموده است:

« سی سال پیش، زمانی که پاول آلن (Paul Allen) و من، شرکت نرم افزار سازی مایکروسافت (Microsoft) را تأسیس کردیم، آروز های بزرگی درباره نرم افزار ها در سر داشتیم. ما آرزوهایی از تأثیراتی که کامپیوتر ها می توانند در زندگی داشته باشند، داشتیم. ما رؤیای وجود کامپیوتر بر روی هر میز، و در هر خانه را در سر می پروراندیم. این خیلی شگفت انگیز است که می بینیم بسیاری از آن آرزو ها به واقعیت بدل شده اند و ما می توانیم آنها را، احساس کنیم. من هیچگاه تصور نمی کردم که شرکت ما بتواند بر پایه آن رؤیاها، چنین پیشرفتی کند. »

(کنفرانس خبری درباره کار تمام در زمینه خیریه و کار نیمه وقت در مایکروسافت – 2006).

گیتس در سال 1973 شامل دانشگاه هاروارد شد، ولی دو سال بعد، در سال 1375 ترک تحصیل کرد. وی مدرک تحصیلی اش را سی سال بعد دریافت کرد. در سال 2007، او را به عنوان سخنران در مراسم فارغ التحصیلی دانشگاه هاروارد دعوت کردند تا برای محصلان فارغ التحصیل سخنرانی کند. وی در خطاب به محصلان چنین گفت: من برای مدت سی سال منتظر مانده ام تا بگویم:

« پدر، من همیشه برای شما گفتم که من پس می آیم، و امتیاز و مدرک تحصیلی ام را می گیرم». از دانشگاه هاروارد سپاسگذارم که بموقع این افتخار را برای من

بخشیدند. من سال آینده، وظیفه ام را تغییر میدهم و این خوب است که سرانجام در خلص سوانح ام (CV) نشان خواهم داد که من هم مدرک و درجه تحصیل دانشگاه را دارم.

مارک زاکربرگ (Mark Zuckerberg) بنیانگذار شبکه اجتماعی فیسبوک، که تحصیل خویش را در سال 2004 در دانشگاه هاروارد ترک کرد، او عاشق برنامه نویسی بود و به همکاری دو تن از دوستان دانشگاهی اش به برنامه نویسی شبکه اجتماعی مجازی شد که بتوانند مردم را به یکدیگر نزدیک کنند و ارتباطات را توسعه دهند. وی برای فارغ التحصیلان کلاس هشتم در منلو پارک، کالیفرنیا از نقش سخت کوشی و دوستی ها در یک زندگی موفقیت آمیز سخن گفت.

او گفت: « خلاقیت چیزی نیست که فقط در یک لحظه بدرخشد و اتفاق بیافتد». او همچنان گفته است:

« تحقق یک ماموریت و ساختن یک کسب و کار، هر دو با هم اتفاق می افتند. درست است که تحقق ماموریت بیشتر به من میدهد تا پیشروی کنم؛ اما، از همان ابتدا دریافتم که باید هر دو با هم عملی شوند»

(سپتمبر، 2012).

بعد از قصه موفقیت این دو شخص، می خواهم سخنان شخص سوم را با شما در میان بگذارم. شخصی که با کارنامه هایش، به جهان بشریت خدمت کرده است، و ما بدخشانی ها هم از خدمات ارزنده اش، بی بهره نمانده ایم. آن شخص، والا حضرت کریم آقا خان، رهبر اسماعیلیان جهان است. بر علاوه رهبری جامعه اسماعیلی، وی تجربه بیشتر از نیم قرن (57 سال) در دنیای صنعتی و دنیای در حال توسعه در بیشتر از 25 کشور در جهان دارد.

والا حضرت آقا خان در 23 جنوری 1958 در دومین سالروز به تخت نشینی امامت اش، در کراچی پاکستان در مورد پیشرفت دانش چنین بیان داشتند:

«... پایگاه های بزرگ انرژی اتمی ی جدید، اسپوتنیک ها (ماهواره ها)، و ماشین آلات ضرباندار بزرگ زندگی صنعتی معاصر²، نمونه هایی از یک فصل تازه در پیشرفت مادی هستند. من معتقدم که ما نباید از پیشرفت مادی هراس داشته باشیم و نه ما آنرا کنار می گذاریم. خطر اینست که آن می تواند در زندگی برای ما یک مشغله فکری شود و آن می تواند شیوه تفکر ما را زیر سلطه خود بگیرد. هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا سنت های ما و عقیده ما، ما را از حرکت کردن با زمان ما، باز نمی دارند، در واقع چرا ما نباید انسان های متنوع مان را هم در حوزه های جدید دانش و آموزش راهنمایی نکنیم. سنت های ما و دین ما برای همیشه الهام بخش آفریده های دست ها و ذهن های ما خواهند بود.»³

والا حضرت آقا خان، همچنان در سخنرانی اش در چهل و نهمین جلسه سالانه بکلوریای بین المللی، در شهر اتلانتای ایالت جورجیا، در اپریل 2008 چنین فرمودند:

«... دو بُعد دیگر تعلیم و تربیه برای جهان معاصر وجود دارد که در مورد آن من میل دارم چند سخن بگویم. نخستین آن مربوط به کنجکاوی، تفکر انتقادی، و حل مسئله است. آنچه که شاگردان میدانند آن دیگر مهمترین پیمایش کیفیت تعلیم و تربیه نیست. آزمون حقیقی قابلیت است در دخیل ساختن آنها در آنچه آنها نمی دانند و برای آن یک راه حل پیدا نمایند. بُعد دوم مستلزم قابلیت است که به نتایج برسند که آن شالوده برای قضاوت های آگاهانه تشکیل می دهند. قابلیت ارائه قضاوت ها که آنها بر شالوده معلومات درست و حسابی استوار باشند و کار گرفتن از تحلیل دقیق باید یکی از مهم ترین اهداف برای هر تلاش آموزشی باشد. طوری که شاگردان این ظرفیت را انکشاف میدهند، آنها می توانند آغاز به نرم کردن دست و پنجه با مهم ترین و مشکل ترین قدم شوند: آنها می آموزند تا اینگونه قضاوت ها را

² throbbing machines of modern industrial life

³ این گلچین از مجله «علم» (Ilm) ماه های جولای - نوامبر، جلد هشتم، شماره یکم، که توسط بورده طریقه و تعلیمات مذهبی بریتانیای کبیر نشر شده است، گرفته شد.

در یک چوکات اخلاقی جای دهند. در آنجا معلومات از نوع آگاهی اجتماعی قرار دارد که جهان ما به آن شدیداً نیاز دارد.»⁴

باید اذعان نمود که آموزش یک روند مادام العمر است، پس فارغ التحصیل بودن دیگر معنای خود را از دست میدهد. بخاطری که کسی که چیزی آموخته باشد، بعد از مدت کوتاه آن کهنه خواهد بود. برای کسب معلومات و مهارت های بروز شده و تازه، مداومت کردن به آموزش همیشگی، لازمی است. چنانچه حضرت علی (ع) گفته است:

مَنْ ادَّعى مِنَ العِلْمِ غايتهُ فَقَدْ اَظْهَرَ مِنْ جَهْلِهِ نَهايتهُ. یعنی، کسی که ادعا کند به نهایت دانش دست یافته است، با این کار نهایت نادانی خود را آشکار ساخته است.⁵

فراغت من با فراغت شما فقط یک دهه تفاوت دارد. در سال 1383 (2014) در کابل از تمام دانشگاه ها و دانشکده ها، فقط شش محصل از ولسوالی شغنان فارغ شده بودیم که چهار نفر از دانشگاه طبی کابل (داکتر محبوب شاه رهگذر، داکتر محراب شاه نعیمی، داکتر سید شاه فقیر پامیری، مرحوم داکتر عبدالرحیم اوستا، خداوند اورا ببخشاید که به ابدیت پیوست)، عبدالقیوم بختیاری از دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل، و من از دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه تعلیم و تربیه کابل فارغ شده بودیم.

بعد از گذشت یک دهه، فعلاً نام خدا، تعداد محصلین ما در هر سال ده برابر شده است. تنها امسال از دانشکده های مختلف دانشگاه بدخشان، به تعداد چهل و چند محصل فراغت شان را جشن گرفته اند، که هفت برابر افزایش را نشان میدهد.

من این موفقیت را برای ریاست دانشگاه بدخشان و تمام دست اندر کاران ایشان، تبریک و تهنیت عرض می نمایم. همچنان از والدین و بستگان دانشجویان عمیقاً سپاسگزار هستم که به پشتوانه مادی و معنوی، و تشویق و انگیزه شان، که شما را حمایت نموده اند تا آنچه که مقدر بود، به هدف تان نایل آید.

⁴ Annual meeting of the International Baccalaureate

<http://www.akdn.org/speech/his-highness-aga-khan/annual-meeting-international-baccalaureate>

⁵ همانجا

از اینکه به سخنان جُسته و گریخته من شما حاضرین گرامی بذل توجه داشتید، از همه شما سپاسگذارم.

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى 6

⁶سوره 20 (سوره طه)، آیه 47)